

دانشگاه فرهنگیان

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

مطالعات آموزشی و آموزشی

سال پنجم، شماره چهاردهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵

تاریخ چاپ: بهار ۱۳۹۷

بررسی عوامل مؤثر بر رغبت‌های شغلی در دانش‌آموزان دوره متوسطه شاخه نظری شهر تهران

عباس معدن‌دارآرانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۵

چکیده

از آنجایی که در نظام آموزش عالی رشته‌های تحصیلی متنوعی وجود دارد و در جامعه امروز، مشاغل دامنه‌ای وسیع دارند، لازم است برای آینده تحصیلی و شغلی نسل جوان برنامه‌ریزی دقیقی انجام شود. بی‌شک این برنامه‌ریزی مستلزم داشتن اطلاعاتی دقیق از رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان از یک سو و آگاهی درباره مشاغل مورد نیاز جامعه از سوی دیگر است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان دبیرستان‌های متوسطه شاخه نظری شهر تهران است. روش این پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان رشته‌های مختلف متوسطه نظری شهر تهران است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در دو منطقه آموزشی ۶ و ۱۴، ۴۲۰ نفر انتخاب شده‌اند. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته رغبت‌سنج شغلی گردآوری شدند و از طریق آزمون ناپارامتریک مجذور خی تجزیه و تحلیل شدند. نخستین یافته پژوهش مؤید آن است که عامل جنسیت هنوز بر رغبت شغلی اثرگذار است، به نحوی که گرایش اصلی دختران معطوف به مشاغل اجتماعی و تمایل اصلی پسران به سمت مشاغل جستجوگرانه است. همچنین یافته دیگر پژوهش مبین تفاوت معنی‌دار بین گروه‌های مختلف دانش‌آموزی در رغبت‌های شغلی بر حسب عملکرد تحصیلی است. دو یافته پایانی تحقیق نشان می‌دهند که نخست، در جامعه مورد تحقیق رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان لزوماً از مشاغل فعلی پدران پیروی نمی‌کند و دوم، هرچه سطح سواد پدران افزایش می‌یابد، رغبت شغلی دانش‌آموزان به مشاغل جستجوگرانه و اجتماعی نیز بیشتر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رغبت‌های شغلی، عملکرد تحصیلی، آموزش متوسطه، تهران.

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)، رایانامه: arani.a@lu.ac.ir

مقدمه

هدایت صحیح دانش‌آموزان به شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی و آماده‌ساختن آن‌ها برای ورود به تحصیلات عالی یا بازار کار با توجه به استعداد و رغبتشان یکی از اهداف مهم نظام آموزشی در دوره متوسطه است. از این نظر، براساس ماده ۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه، وزارت آموزش و پرورش مکلف شده است ضمن هدایت تحصیلی فراگیران براساس علائق و ویژگی‌های آن‌ها، برنامه‌ریزی لازم را برای برقراری توازن بین تعداد دانش‌آموزان و رشته‌های تحصیلی با نیازهای جامعه برقرار کند. همچنین در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) به‌صراحت بر استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی و استعدادیابی دانش‌آموزان تأکید شده است. در راستای تحقق این اهداف، آیین‌نامه آموزشی دوره متوسطه مصوب شورای عالی آموزش و پرورش دو ملاک عمده برای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان را نمرات درسی و بررسی‌های مشاوره‌ای تعیین کرده است. از طریق بررسی‌های مشاوره‌ای و انجام پژوهش‌های علمی، ارزیابی‌های اولیه از رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان صورت می‌پذیرد تا بنیان استواری برای برنامه‌ریزی آموزشی در سطح کلان و تمهید عملی در سطح خرد برای نیازهای شغلی تدارک دیده شود. بررسی‌های مشاوره‌ای می‌تواند شامل نظرخواهی از دانش‌آموزان، والدین و معلمان باشد یا مبتنی بر نتایج حاصله از آزمون‌های استعداد و رغبت باشد. به‌هر حال، از آنجاکه در انتخاب شغل عوامل متعددی نقش دارند، بررسی تأثیر این عوامل می‌تواند به انتخاب صحیح و معقولانه شغل و تسهیل فرایند «گذار نسل جوان از مدرسه به جامعه» یاری رساند.

مسئله انتخاب شغل یکی از مهم‌ترین مسائل کشور، نسل جوان و خانواده‌ها است. ایران جامعه جوانی دارد، یعنی طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال و بیشترین تعداد جمعیت در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال قرار داشته‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). وجود جمعیت بسیار جوان مبین رویارویی عظیم جامعه در آینده نزدیک با موج عظیمی از جویندگان کار است. گزارش مرکز آمار ایران حاکی از آن است که در سال ۱۳۸۹ میانگین نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال ۲۵,۵ درصد بوده است (ایلنا، ۱۳۹۱). این روند در طی سال‌های اخیر شتاب بیشتری گرفته است، به‌نحوی که در حال حاضر سالانه به یک میلیون شغل جدید نیاز است؛ از سوی دیگر به‌علت گسترش نظام آموزش عالی در طی دو دهه اخیر و در راستای برقراری ارتباط مؤثر این نظام با بازار کار، توجه به تحلیل ابعاد و زوایای انتخاب شغل از دوره متوسطه باید مدنظر برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی قرار گیرد. علاوه بر توجه به وضعیت کلان کشور، در سطح خرد و فردی نیز باید به نقش عوامل اثرگذار در روند نظام شغلی توجه ویژه داشت. در سطح فردی فراگرد پذیرش شغل، معمولاً

بررسی رابطه سه عامل متوالی انتظارات، ترجیحات و انتخاب اهمیت فراوان دارد. شغل هرمی است که انتظارات قاعده آن را تشکیل می‌دهد و سپس ترجیح‌ها در میانه و انتخاب در رأس آن قرار می‌گیرد. هرچه سن افزایش یابد، معمولاً از سطح انتظارات کاسته می‌شود و امکان ترجیح و سپس انتخاب بیشتر می‌گردد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۴: ۲۳). در این میان، و در هر سه مرحله، رغبت‌های شغلی حضوری مؤثر دارند. به خاطر این نقش کلیدی، شناخت عوامل مؤثر بر رغبت‌ها می‌تواند از یک سو در جهت بخشی شغلی دانش‌آموزان و از سوی دیگر در رفع نیازهای بازار کار مفید واقع شود. پیامد عدم توجه به رغبت‌ها را می‌توان در عرضه و تقاضای نامتعادل مشاغل مشاهده کرد (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۹: ۷). البته رغبت شرط کافی نیست، زیرا بعضی از جوانان دچار بلندپروازی واهی می‌شوند و بدون توجه به لیاقت و استعداد، مسیر تحصیلی و شغلی خویش را انتخاب می‌کنند که این نیز جز از دست دادن اعتماد به نفس و اتلاف سرمایه برای خود و جامعه حاصلی نخواهد داشت. برای اینکه تناسبی منطقی بین استعدادها و رغبت‌ها به وجود بیاید، نیاز است که بررسی‌های علمی برای هر دو مرحله به تفکیک انجام شود و با نگرشی ترکیبی، تصمیم لازم اتخاذ شود (Antony, ۱۹۹۸). از مجموع عوامل متعدد اثرگذار بر رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان می‌توان به عوامل دموگرافیک همچون سن، جنس، سطح سواد والدین، و وضعیت تحصیلی دانش‌آموز اشاره کرد که در واقع، دارای «اثر نخستین» بر تعیین رغبت‌های شغلی‌اند. با افزایش سن دانش‌آموز و خروج وی از نظام آموزش متوسطه، نقش عوامل دیگری که دارای «اثر ثانویه»‌اند، بیشتر می‌شود. از بین این عوامل می‌توان به درآمد آتی شغل، تعداد خواهران و برادران، محل سکونت و جز این‌ها اشاره کرد.

پیشینه پژوهش

در پژوهش حاضر، توجه ما معطوف به بررسی عوامل دارای «اثر نخستین» است که در اینجا به نتایج و یافته‌های بعضی از پژوهش‌های مرتبط اشاره می‌شود.

نخستین عاملی که معمولاً مورد توجه مشاوران شغلی قرار می‌گیرد، نقش جنسیت در رغبت شغلی است. البته فراگرد انتخاب شغل بسیار پیچیده و پویا است و یکی از پیچیدگی‌هایی که معمولاً در بدو امر مطرح می‌شود، تناسب ذهنی بین شغل و فرد است. تصویری که فرد از رابطه خود با شغل می‌سازد، برای هر دو گروه زنان و مردان مهم است. یکی از مهم‌ترین عوامل در این تصویرسازی، این است که به‌طور مرسوم از شغل مورد نظر چه برداشت اجتماعی وجود دارد و آیا عموم مردم آن را بیشتر شغلی مردانه می‌پندارند یا حرفه‌ای زنانه (Burack et al., ۱۹۹۷; Myers, ۲۰۰۵). بر این اساس، پژوهش‌های بسیاری مبین گرایش متفاوت دختران و پسران به مشاغل گوناگون

است (Basavage, ۱۹۹۶; Borchert, ۲۰۰۹; Greenberger, ۲۰۰۲). برای مثال، گرین برگر^۱ (۲۰۱۲) در پژوهش خود دریافت که در امریکا هنوز گرایش هردو جنس به سمت مشاغلی است که به طور سنتی برچسب «زنانه و مردانه» دارند. این تحقیقات نشان می‌دهد که آرزوهای شغلی دختران بیشتر حول محور کارهای اجتماعی و خانوادگی دور می‌زند، حال آنکه در پسران بیشتر به سمت مواردی همچون ثروت، مالکیت، مسائل زندگی، و ورزش معطوف است (Chusmir, ۱۹۹۰; Arrents & O'Brien, ۱۹۹۶; Rojewski & Yang, ۱۹۹۷; Baker & O'toman, ۲۰۰۹; Hall, ۲۰۱۰). البته نباید از تأثیر متفاوت ویژگی‌های هر شغل بر هردو جنس غافل بود. برای مثال، تحقیقات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان به امکانات محیطی و استعدادهای خود کمتر توجه می‌کنند و رغبت‌های شغلی آنان بیشتر معطوف به مشاغل پر زرق و برق با وجهه اجتماعی خوب است، بدین نحو که تمایل پسران به مشاغل مهندسی، پزشکی و خلبانی بیشتر است، در حالی که دختران بیشتر به پزشکی، منشی‌گری، مهمانداری و بهیاری تمایل دارند (Strange & Rea, ۱۹۸۳; O'Brien, ۱۹۹۶; O'Brien et al., ۲۰۰۲). همچنین، باید توجه داشت با افزایش تنوع مشاغل، روندهای سنتی تقسیم مشاغل بین زنان و مردان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته جهان به شدت دگرگون شده است، بنابراین، به ویژه دختران و پسران تحصیل کرده دیگر خود را چندان ملزم به پیروی از نگرش‌های سنتی مردم در مورد انتخاب شغل نمی‌دانند (Wulff & Steitz, ۱۹۹۷; Behrend et al., ۲۰۰۷; Helwig, ۲۰۰۸; Tang et al., ۲۰۰۸; Hensley, ۲۰۱۰).

عامل مؤثر دیگری که می‌توان از آن یاد کرد وضعیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموز در حال حاضر است. پژوهش‌های بسیار نشان داده‌اند که عملکرد تحصیلی دانش‌آموز می‌تواند در پیش‌بینی رغبت‌های شغلی وی مؤثر باشد، چرا که معمولاً دانش‌آموزان با عملکرد ضعیف در جستجوی مشاغلی در آینده‌اند که نیاز چندانی به مدارک تحصیلی بالا نداشته باشد. برعکس، دانش‌آموزان قوی خواهان مشاغلی‌اند که داشتن نمرات خوب تحصیلی در همه دوره‌های آموزشی لازمه کسب آن است (McNair & Brown, ۱۹۸۳; Huffman et al., ۱۹۸۶; West, ۱۹۸۶; Idem, ۱۹۸۸). البته پژوهش‌های وود و مایر^۲ (۱۹۹۹)، اپلتون^۳ (۲۰۰۱)، ال-سامری و بنل^۴ (۲۰۰۳) و در ایران پژوهش محمدزاده (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که مهارت‌های کسب شده در دوره آموزش متوسطه و به ویژه نشانگر «معدل تحصیلی» رابطه مثبت معنی‌داری با مهارت‌های شغلی آتی کارگران دارد. به هر حال، برای تعیین اثرگذاری این عامل می‌توان به دو موضوع توجه داشت. نخست، وضعیت آموزشی فرد در طول سال‌های تحصیل که به مواردی همچون دفعات

۱. Greenberger

۲. Wood & Mayer

۳. Appleton

۴. Al-Samarrai & Bennell

مردودی توجه می‌کند و دوم، نمرات دانش‌آموز در سال تحصیلی جاری که می‌توان از معدل دانش‌آموز یا نمرات وی در بعضی دروس اصلی وی استفاده کرد. در پژوهش حاضر، معدل فعلی دانش‌آموزان مدنظر قرار گرفته است. دو عامل مؤثر دیگر در شکل‌دهی رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان سطح سواد و شغل والدین است. در واقع، یافته‌های پژوهشی گوناگون در مورد رابطه خانواده، تعلیم و تربیت و شغل ثابت کرده‌اند که عواملی همچون میزان تحصیلات پدر و مادر، شغل والدین، شمار خانوار (تعداد فرزندان) و نگرش والدین به یک شغل، در جهت‌دهی رغبت‌های شغلی به نحو چشم‌گیر اثرگذارند (Hewitt, 2010; Myburgh, 2005; Taylor et al., 2004; Ologun, 2002). برای مثال، کاکیا (1379) و معدن‌دارآرانی و سرکارآرانی (1388)، در تبیین نقش سطح سواد والدین بر فرزندان، به خوبی تأثیر این عامل را در رابطه با تشکیل سه شکل سرمایه انسانی، فرهنگی و اجتماعی در خانواده‌ها نشان داده‌اند. رغبت‌های شغلی تاحدزیادی متأثر از حجم هریک از اشکال سه‌گانه سرمایه در بین اعضای یک خانواده و به ویژه پدر و مادر است. مثال بارز دیگر پژوهش‌های بالی تیرکده (1374)، محمودی (1374)، ثابت (1380)، و حسینی بیرجندی (1380) است که همگی نشان می‌دهند والدین در اموری همچون پیشرفت تحصیلی، انتخاب هدف و رشته تحصیلی فرزندان خود به شدت دخالت می‌کنند؛ البته این گونه به نظر می‌رسد نقش شغل فعلی والدین در شکل‌دهی رغبت‌های شغلی فرزندان لزوماً در همه کشورهای از روند یکسانی پیروی نمی‌کند. برای نمونه، در کشورهایی با اقتصاد در حال گذار و جامعه‌ای از نظر فرهنگی در حال تحول همچون ایران، هر روز کمتر از پیش، فرزندان از الگوهای شغلی والدین خود پیروی می‌کنند.

هدف پژوهش

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت که با عنایت به گذر زمان و تغییرات اقتصادی اجتماعی و فرهنگی که به صورت مداوم در جامعه و نهادهای اجتماعی آن همچون خانواده رخ می‌دهد، لازم است هر از گاهی تغییرات مرتبط با تأثیر عوامل «اثرگذار نخستین» دوباره بررسی شود. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر چهار عامل مؤثر بر رغبت‌های شغلی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران است. از مجموع این عوامل که در فرضیات پژوهش به آن توجه می‌شود، دو عامل به دانش‌آموز و دو عامل به والدین مربوط است:

- آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با جنسیت آنان رابطه معنی‌داری مشاهده می‌شود؟
- آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با وضعیت تحصیلی آنان رابطه معنی‌داری مشاهده می‌شود؟
- آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با سطح سواد پدر رابطه معنی‌داری مشاهده می‌شود؟
- آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با شغل پدر رابطه معنی‌داری مشاهده می‌شود؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی، از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی و از نظر روش، همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان رشته‌های مختلف متوسطه شاخه نظری شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ بود. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و حداقل حجم نمونه ۴۱۲ نفر به دست آمد. با توجه به توزیع دانش‌آموزان در دبیرستان‌های مختلف و برای تعمیم بهتر نتایج، حجم نمونه به ۴۵۰ نفر افزایش یافت. همچنین با توجه به امکانات تحقیق و گستره وسیع جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد، بدین‌نحوکه در مرحله نخست، شهر تهران به چهار خوشه کلی جغرافیایی شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شد و محدوده جغرافیایی مناطق نوزده‌گانه آموزشی مشخص گردید. در مرحله دوم، از بین مناطق نوزده‌گانه شهر تهران، دو منطقه ۶ و ۱۴ به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله سوم، از بین دبیرستان‌های دو منطقه، ۸ دبیرستان (۴ دبیرستان دخترانه و ۴ دبیرستان پسرانه) دوباره به صورت تصادفی تعیین شدند. در آخرین مرحله، در هر دبیرستان، دو کلاس پایه سوم نظری به شیوه تصادفی ساده انتخاب شد و ابزار تحقیق در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. ابزار اصلی تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق‌ساخته «رغبت‌سنج شغلی» بود. پرسشنامه دو بخش اطلاعات شخصی (۸ سؤال) و اطلاعات مربوط به شناسایی مشاغل (۶ گروه شغلی با ۴۹۰ شغل) داشت که از فهرست مشاغل تدوین‌یافته توکلی و همکارانش (۱۳۸۶) استفاده شد. ۶ گروه شغلی شامل مشاغل واقع‌گرایانه (مشاغل مهارتی و فنی)، جستجوگرایانه (مشاغل علمی همچون شیمی، مردم‌شناسی)، هنری (موسیقی و ادبیات، کارگردانی)، اجتماعی (تعلیم و تربیت و رفاه اجتماعی، همچون هتل‌داری)، متهورانه (فروشنده‌گی، بورس، رانندگی) و قراردادی (اداری و منشی‌گری) بود. برای تعیین روایی صوری و محتوایی، پرسشنامه اولیه به چند تن از استادان رشته علوم تربیتی داده شد. پس از مطالعه، جمع‌بندی و اعمال نظرها و نهایتاً با تأیید روایی، از پرسشنامه پایانی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. همچنین با توجه به ماهیت پرسشنامه، تعیین سنجش پایایی آن موضوعیت معنایی نداشته و لازم نبوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و بررسی سؤالات پژوهش با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS از آمارهای توصیفی و آزمون استنباطی (آزمون مجذور خی) متناسب با نوع داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

از مجموع ۴۵۰ پرسشنامه توزیعی، تعداد ۴۳۷ پرسشنامه جمع‌آوری و پس از بررسی و حذف پرسشنامه‌های تکمیل نشده، تعداد ۴۲۰ پرسشنامه نهایی تعیین شدند (۹۳,۳). توزیع فراوانی دانش‌آموزان مورد مطالعه برحسب جنسیت و رشته تحصیلی در جدول شماره ۱ ارائه شده است و نشان می‌دهد که از لحاظ جنسیت، تعادل نسبی بین تعداد پاسخ‌گویان وجود دارد (۵۳,۸ درصد دختر و ۴۶,۲ درصد پسر). از نظر رشته تحصیلی، بیشترین تعداد پاسخ‌گویان را دانش‌آموزان رشته علوم انسانی تشکیل می‌دهند (۴۶,۷ درصد).

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان برحسب جنسیت و رشته تحصیلی

جنسیت	فراوانی	درصد	رشته تحصیلی	فراوانی	درصد
دختر	۲۲۶	۵۳,۸	ریاضی	۱۰۰	۲۳,۸
پسر	۱۹۴	۴۶,۲	تجربی	۸۹	۲۱,۲
-	-	-	-	۱۹۶	۴۶,۷
-	-	-	-	۳۵	۸,۳
کل	۴۲۰	۱۰۰,۰	-	۴۲۰	۱۰۰,۰

فرضیه اول پژوهش این بود که آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با جنسیت آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. در جدول ۲ نتایج این بررسی نشان داده شده است.

جدول ۲. مقایسه رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

نوع مشاغل	دختران		پسران	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
واقع‌گرایانه	۳۰	۱۳,۳	۳۵	۱۸,۰
جستجوگرایانه	۵۱	۲۲,۶	۶۰	۳۰,۹
هنری	۳۸	۱۶,۸	۱۶	۸,۲

اجتماعی	۷۰	۳۱,۰	۵۱	۲۶,۳
متهورانه	۱۰	۴,۴	۲۴	۱۲,۴
قراردادی	۲۷	۱۱,۹	۸	۴,۲
کل	۲۲۶	۱۰۰,۰	۱۹۴	۱۰۰,۰
	$X^2_{0/01}=21/09$	$df=5$	$P\leq 0/01$	$X^2=215/09$

بررسی نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که از بین ۶ گروه مشاغل، هردو گروه دختران و پسران بیشترین حد رغبت را به دو گروه شغلی جستجوگرایانه و اجتماعی دارند (در مجموع ۵۳,۶ در دختران و ۵۷,۲ در پسران). با وجود این، گرایش اصلی دختران معطوف به مشاغل اجتماعی و تمایل اصلی پسران به سوی مشاغل جستجوگرایانه است. از سوی دیگر، اگرچه فاصله رغبت‌های شغلی بین دو گروه جنسی روندی نزولی در ایران دارد، از آنجایی که X^2 محاسبه شده نشان‌دهنده تفاوت کاملاً معنی‌دار بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار است، نمی‌توان شکاف مذکور را نادیده گرفت.

فرضیه دوم پژوهش این بود که آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با وضعیت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود دارد. در جدول ۳ نتایج بررسی نشان داده شده است.

جدول ۳. مقایسه رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان به تفکیک معدل

معدل / مشاغل	واقع‌گرایانه	جستجوگرایانه	هنری	اجتماعی	متهورانه	قراردادی	کل
۱۰ تا ۱۲	۲۳	۶	۹	۱۹	۵	۹	۷۱
۱۲,۱ تا ۱۴	۱۹	۱۰	۱۴	۱۳	۶	۱۱	۷۳
۱۴,۱ تا ۱۶	۱۱	۱۷	۱۱	۳۶	۱۱	۶	۹۲
۱۶,۱ تا ۱۸	۹	۳۷	۱۷	۲۹	۱۰	۳	۱۰۵
۱۸,۱ تا ۲۰	۳	۴۱	۷	۲۰	۶	۲	۷۹
	$X^2_{0/01}=28/86$	$df=(r-1)(c-1)=20$	$P\leq 0/05$	$X^2=34/78$			

برای بررسی رابطه وضعیت تحصیلی دانش‌آموز با رغبت‌های شغلی می‌توان از دو نشانگر عملکرد سال‌های قبل (دفعات مردودی) یا عملکرد فعلی دانش‌آموز (معدل فعلی) استفاده کرد که با توجه به اینکه به نظر می‌رسد معیار معدل با واقعیات تحصیلی دانش‌آموز بیشتر هم‌خوانی داشته باشد، از این نشانگر استفاده شد. با مشاهده جدول

شماره ۳ درمی یابیم که بیشترین تعداد دانش آموزان با معدل بین ۱۰ تا ۱۲ گرایش به انتخاب مشاغل واقع گرایانه همچون مکانیک اتومبیل، تعمیرکار وسایل برقی، بافنده لباس و مشاغل مشابه دارند. به نظر می رسد در بین دانش آموزانی که معدل بین ۱۲/۱ تا ۱۴ دارند رغبت های شغلی به صورت نسبتاً متعادل بین همه گروه های شغلی پراکنده شده است. برعکس، در دو گروه دانش آموزی با معدل ۱۴/۱ تا ۱۸، عمدتاً گرایش به مشاغل جستجوگرانه و اجتماعی همچون معلمی، مدیر خدمات عمومی، مشاور تحصیلی، کارشناس آمار، داروسازی، برنامه ریز شهری و خلبانی وجود دارد. علاوه بر این، اکثر دانش آموزان با عملکرد خوب تحصیلی (معدل بین ۱۸ تا ۲۰) علاقه مند به انتخاب مشاغل جستجوگرانه همچون مهندسی، دامپزشکی، و برنامه نویسی کامپیوترند. داده های استنباطی نیز نشان می دهد که تفاوت معنی دار بین گروه های مختلف دانش آموزی برحسب فراوانی های مشاهده شده و فراوانی های موردانتظار وجود دارد.

فرضیه سوم پژوهش این بود که آیا بین رغبت های شغلی دانش آموزان با شغل پدر آنان رابطه معنی داری وجود دارد. در جدول ۴ نتایج این بررسی نشان داده شده است.

جدول ۴. مقایسه رغبت های شغلی دانش آموزان به تفکیک مشاغل فعلی پدران

نوع شغل	شغل پدران		شغل انتخابی دانش آموزان	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
واقع گرایانه	۱۰۸	۲۵,۷	۶۵	۱۵,۵
جستجوگرانه	۷۵	۱۷,۹	۱۱۱	۲۶,۴
هنری	۲۱	۵,۰	۵۸	۱۳,۸
اجتماعی	۶۱	۱۴,۵	۱۱۷	۲۷,۹
متهورانه	۸۶	۲۰,۵	۳۸	۹
قراردادی	۶۹	۱۶,۴	۳۱	۷,۴
کل	۴۲۰	۱۰۰,۰	۴۲۰	۱۰۰,۰
	$X^2_{0,01}=20,09$	df=۵	$P \leq 0,01$	$X^2=30,533$

برای بررسی اثر سطح سواد و شغل والدین می توان به تفکیک این دو عامل را در هر دو پدر و مادر بررسی کرد، ولی باتوجه به ساختار فعلی خانواده های ایرانی هنوز به نظر می رسد نقش پدر در جهت دهی رغبت های شغلی فرزندان

پرنگ‌تر از نقش مادر است. به همین علت، در پژوهش حاضر فقط به بررسی نقش سواد و شغل پدر در رغبت‌های شغلی توجه شد. براساس نتایج جدول ۴ می‌توان گفت که در جامعه مورد تحقیق رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان لزوماً از مشاغل فعلی پدران پیروی نمی‌کند. برای مثال، گرایش به مشاغل واقع‌گرایانه (که عموماً دربردارنده مشاغل فنی و حرفه‌ای است) بین دو گروه پدران و فرزندان تفاوت ۱۰ درصدی دارد. برعکس، رغبت شغلی دانش‌آموزان به مشاغل هنری بیشتر از پدرانشان است. این وضعیت باعث شده است که X^2 محاسبه شده نشان دهد بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار تفاوت کاملاً معنی‌داری وجود دارد. از نتایج جالب دیگر کاهش علاقه فرزندان به مشاغل قراردادی (عمدتاً اداری) است.

فرضیه چهارم پژوهش این بود که آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با سطح سواد پدر رابطه معنی‌داری وجود دارد. در جدول ۵ نتایج بررسی نشان داده شده است.

جدول ۵. مقایسه رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان بر حسب سطح سواد پدر

سطح سواد / مشاغل	واقع‌گرایانه	جستجوگرایانه	هنری	اجتماعی	متهورانه	قراردادی	کل
ابتدایی و کمتر	۱۳	۷	۷	۸	۸	۴	۴۷
سیکل، دوره راهنمایی	۷	۹	۱۰	۲۱	۲	۸	۵۷
دیپلم	۱۸	۲۲	۹	۱۴	۴	۴	۷۱
فوق دیپلم	۱۳	۱۶	۱۰	۲۲	۵	۷	۷۳
لیسانس	۹	۳۳	۱۳	۳۷	۱۴	۶	۱۱۲
فوق لیسانس و دکترا	۵	۲۴	۹	۱۵	۵	۲	۶۰
جمع	۶۵	۱۱۱	۵۸	۱۱۷	۳۸	۳۱	۴۲۰
	$X^2_{0/01}=26/21$	$df=(r-1)(c-1)=25$	$P \leq 0/01$	$X^2=15/35$			

نتایج آزمون پرسش چهارم مبین آن است که هرچه سطح سواد پدران افزایش می‌یابد، رغبت شغلی دانش‌آموزان به مشاغل جستجوگرانه و اجتماعی نیز بیشتر می‌شود. همچنین X^2 محاسبه شده برای جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بدین لحاظ می‌توان گفت نخست، در گروه‌های شغلی جستجوگرانه و اجتماعی سطح سواد پدران بالاتر از سایر گروه‌های شغلی است؛ دوم، مشاغل هنری عمده‌توجه دانش‌آموزانی است که سطح سواد پدران آن‌ها در سطح متوسط به بالا است

و سوم اینکه گروه شغلی واقع گرایانه بیشتر مورد توجه دانش‌آموزانی است که سطح سواد پدر آنان در حد متوسط رو به پایین است.

بحث و نتیجه‌گیری

بی‌توجهی به استعدادها و رغبت‌های تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان جو غالب مدارس و جامعه است، به‌نحوی که فضای اصلی انتخاب شغل بیشتر متأثر از عواملی همچون منافع اقتصادی و اشتغال اجتماعی است. در چنین فضایی، طبیعی است که نمی‌توان از جوانان انتظار داشت که به‌سادگی در پی کشف استعدادها و رغبت‌های خود باشند. علاوه بر این، تحولات زمانه باعث شده است که تأثیر عواملی همچون جنسیت، عملکرد تحصیلی و وضعیت خانوادگی دچار دگرگونی شود. براین اساس، پژوهش حاضر دو نکته اساسی را آشکار ساخت. اول اینکه تأثیر عوامل نخستین هنوز بر رغبت‌های شغلی پابرجا است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت و دوم اینکه سمت و سوی تحولات مبین کاهش قدرت اثرگذاری این عوامل در بازار کار آینده ایران است. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان با نگاهی تطبیقی به نتایج پژوهش‌های قبلی به تفکیک چهار عامل، مقایسه و ارزیابی کرد.

نخستین یافته پژوهش نشان می‌دهد که عامل جنسیت هنوز در تعیین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان اثرگذار است و مشاوران شغلی باید به نقش آن توجه کنند. البته در پژوهش‌های متقدم (Chusmir, 1990; Strange & Rea, 1983; Basavage, 1996; Burack et al., 1997) اثر این عامل با قاطعیت بیشتر نمایش داده می‌شد، ولی در تحقیقات متأخر به پرشدن شکاف جنسیتی در رغبت‌های شغلی امید بیشتری وجود دارد (Abdullah, 2008; Tang et al., 2008; Helwig, 2008). علت این موضوع را آشکارا می‌توان در افزایش تنوع مشاغل و همچنین افزایش سطح تحصیلات در دختران جست. از این رو، یافته‌های پژوهش حاضر از تحقیقات متأخر بیشتر پشتیبانی می‌کند. همچنین پژوهش حاضر با ارائه این یافته که تفاوت معنی‌دار بین گروه‌های مختلف دانش‌آموزی برحسب عملکرد تحصیلی در رغبت‌های شغلی وجود دارد همسو با نتایج تحقیقات وست (1998)، وود و مایر^۱ (1999)، اپلتون^۲ (2001) و ال‌سامری و بنل (2003) است. علاوه بر این، پژوهش حاضر نشان داد که دو عامل، سطح سواد و شغل پدر، همچون عوامل قبلی بر تعیین علائق و رغبت‌های شغلی نسل جوان اثرگذارند. با وجود این، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این اثرگذاری لزوماً به معنای تبعیت از وضع فعلی پدران به‌ویژه از نظر شغل نیست. یافته‌های پژوهش نشان داد که امروزه دانش‌آموزان بیش از پدرانشان طالب جست‌وجوی مشاغلی‌اند که دستیابی به آن مستلزم دستیابی به سطوح بالاتر دانش است. همچنین یافته‌ها مبین آن است که همه پدران صرف‌نظر از سطح

۱. Wood and Mayer

۲. Appleton

سواد عمدتاً طالب دسترسی بیشتر فرزندانشان به مشاغل بهترند. در هردو مورد، یافته‌های پژوهش از نتایج ارائه شده در تحقیقات تیلور و همکاران^۱ (۲۰۰۴)، مایبورک^۲ (۲۰۰۵) و هویت^۳ (۲۰۱۰) و پژوهش‌های داخلی (بالی تیرکده ۱۳۷۴، محمودی، ۱۳۷۴، ثابت، ۱۳۸۰، حسینی بیرجندی ۱۳۸۰، معدن‌دارآرانی و سرکارآرانی، ۱۳۸۸) پشتیبانی می‌کند. برپایه یافته‌های به دست آمده از تحقیق حاضر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- توجه بیشتر مشاوران شغلی به عامل جنسیت و نقش آن در رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان و برگزاری کارگاه‌های آموزشی به منظور درک اوضاع متحول زمانه و فهم نگاه جوانان به مشاغل مختلف صرف نظر از عامل جنسیت؛
- ارائه آموزش‌های مناسب به دانش‌آموزان به منظور شناخت مشاغل با توجه به نیاز جامعه بدون اتکاء به بزرگ‌نمایی عامل جنسیت و کاهش اثرات منفی و تقویت ابعاد مثبت عامل جنسیت بر انتخاب شغل؛
- تأکید مضاعف بر تأثیر عامل عملکرد تحصیلی همزمان با نفی تصور غلط شغل پردرآمد مساوی است با مدرک بالاتر. تبیین و توضیح عدم همبستگی بین مدرک تحصیلی با نوع شغل برای جوانان به منظور افزایش درک آنان از واقعیات بازار کار؛
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای مشاوران شغلی به منظور توجه بیشتر به نقش سرمایه انسانی خانواده در رغبت‌های شغلی والدین، همزمان با پذیرش این واقعیت که مسیرهای شغلی نسل جوان نباید لزوماً با نسل سابق یکسان باشد؛
- از آنجاکه دانش‌آموزان به نظر و راهنمایی والدین اهمیت زیادی می‌دهند، ضرورت دارد که والدین دانش‌آموزان را با در نظر گرفتن استعدادها و رغبت‌های شغلی شخصی آنان و با توجه به امکانات و نیازهای واقعی جامعه راهنمایی کنند و از تلاش برای تحقق آرزوهای تحقق نیافته جوانی خود توسط فرزندانشان بپرهیزند؛
- ارائه و برگزاری کارگاه‌های علمی و آموزشی برای آشناسدن والدین و دانش‌آموزان با مشاغل جدید؛
- تشویق دانش‌آموزان به جست‌وجو و پیگیری اطلاعات تحصیلی شغلی به طور اصولی و ارزیابی از کار آنها؛
- آشنا کردن و فعال کردن مشاوران مدارس با مراکز آموزشی وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان فنی و حرفه‌ای و دیگر نهادهای مرتبط در امر هدایت تحصیلی و شغلی؛
- بهره‌برداری از امکانات رایانه‌ای برای ارائه اطلاعات تحصیلی شغلی؛

۱. Taylor et al.

۲. Myburgh

۳. Hewitt

- استفاده از امکانات وزارت کار و سازمان فنی حرفه‌ای در معرفی دوره‌های کوتاه و بلندمدت فنی حرفه‌ای

منابع

ایلنا (۱۳۹۱). ده راهکار برای اصلاح اقتصاد ایران. قابل دسترسی در <http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=۵۰۲۳۳> بالی تیرکده، محمدولی (۱۳۷۴). بررسی عوامل مؤثر در هدایت تحصیلی شغلی دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه برای انتخاب رشته تحصیلی و شغل آینده خویش در شهرستان‌های نوشهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

توکلی، یدالله؛ ایزدی، علی‌اصغر و جشنانی، زهرا (۱۳۸۶). آشنایی با آزمون‌های ریون و رغبت‌سنج تحصیلی شغلی. تهران: ورا دانش.

ثابت، اصغر (۱۳۸۰). بررسی علل عدم گرایش دانش‌آموزان مستعد به رشته علوم انسانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشت. دانشگاه تربیت معلم گیلان.

حسینی بیرجندی، مهدی (۱۳۸۰). راهنمایی و مشاوره تحصیلی و تاریخیچه مشاوره و راهنمایی در ایران. تهران: انتشارات رشد. حق‌شناس، لیلا؛ عابدی، محمدرضا؛ باغبان، ایران و حسینیان، ایران (۱۳۸۹). رغبت‌های شغلی. تهران: نشر تایماز.

شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۴). راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل. چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات رشد.

کاکیا، لیدا (۱۳۷۹). نگرشی نو به افت تحصیلی. تهران: انتشارات اقاقی

محمودی، حسن (۱۳۷۴). بررسی وضعیت انتخاب رشته تحصیلی توسط دانش‌آموزان پسر مستعد سال اول دبیرستان‌های شهر مشهد از دیدگاه دانش‌آموزان و مدیران در سال تحصیلی ۷۴-۷۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده علوم تربیتی.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. قابل دسترسی در [www.iran.unfpa.org/Documents/Census۲۰۱۱/census-۹۰-results\(۳\).pdf](http://www.iran.unfpa.org/Documents/Census۲۰۱۱/census-۹۰-results(۳).pdf)

معدن‌دارآرانی، عباس و سرکارآرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). آموزش و توسعه: مباحث نوین در اقتصاد آموزش. تهران: نشر نی. منصور، محمود (۱۳۵۸). زمینه راهنمایی حرفه‌ای. تهران: انتشارات چهره.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. قابل دسترسی در www.medu.ir/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=da۴۶۲e۱d-b۹۸۲-۴۶b۶

یارمحمدزاده، پیمان (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی مدیران با مهارت‌های شغلی آنان. قابل دسترسی در <http://peymanemodiriat.persianblog.ir/post/۲۰>

Abdullah, S. A.; Bakar, R. & Othman, M. (۲۰۰۹). Gender Difference and Career Interest of Undergraduates: Implications for Career Choice. *European Journal of Scientific Research*. Vol. ۲۶(۳): ۴۶۵-۴۶۹.

- Ahrens, J. A. & O'Brien, K. M. (۱۹۹۶). Predicting Gender Role Attitudes in Adolescent Females: Ability, Agency, and Parental Factors. *Psychology of Women Quarterly*. Vol. ۲۰: ۴۰۹-۴۱۷.
- Al-Samarrai, S. & Bennell, P. (۲۰۰۳). *Where Has all the Education Gone in Africa? Employment Outcomes among Secondary School and University Leavers*. Institute of Development Studies at the University of Sussex. Sussex.
- Antony, J. S. (۱۹۹۸). Personality-career Fit and Freshman Medical Career Aspirations: A Test of Holland's Theory. *Research in Higher Education*. Vol. ۳۹: ۶۷۹-۶۹۸.
- Appleton, S. (۲۰۰۱). What Can We Expect of Universal Primary Education? In R. Reinikka & P. Collier (Eds.). *Uganda's Recovery: The role of Firms, Farms and Government*. World Bank. Washington D. C.
- Basavage, R. (۱۹۹۶). *Gender-role Stereotyping and How it Relates to Perceived Future Career Choices among Elementary School Children*. M.A. thesis. University of Wisconsin-Stout, Menomonie.
- Behrend, T. S.; Thompson, L. F.; Meade, A. W.; Grayson, M. S. & Newton, D. A. (۲۰۰۷). *Gender Differences in Career Choice Influences*. Paper presented at the ۲۲nd Annual Meeting of the Society for Industrial and Organizational Psychology. New York.
- Borchert, M. (۲۰۰۲). *Career Choice Factors of High School Students*. University of Wisconsin-Stout. The Graduate College.
- Burack, J. H.; Irby, D. M.; Carline, J. D.; Ambrozy, D. M.; Ellsbury, K. E. & Stritter, F. T. (۱۹۹۷). A Study of Medical Students' Specialty-choice Pathways: Trying on Possible Selves. *Academic Medicine*. Vol. ۷۲: ۵۳۴-۵۴۱.
- Chusmir, L. H. (۱۹۹۰). Men Who Make Nontraditional Career Choices. *Journal of Counseling & Development*. Vol. ۶۹: ۱۱-۱۶.
- Greenberger, M. (۲۰۰۶). *Nation's High Schools Still Operate "Separate and Unequal" Vocational Education for Male and Female Students*. Retrieved June ۱۲, ۲۰۱۳ from World Wide Web: <http://www.nwlc.org/details.cfm?id=۱۱۳۵§ion=education>
- Hall, S. (۲۰۱۰). The Relationship between Gender and Career Choice. Retrieved June ۱۲, ۲۰۱۳ from World Wide Web: www.ehow.com
- Helwig, A. A. (۲۰۰۸). From Childhood to Adulthood: A ۱۵-year Longitudinal Career Development Study. *The Career Development Quarterly*. Vol. ۵۷: ۳۸-۵۰.
- Hensley, L. (۲۰۱۰). The Influence of Gender Role and Gender Stereotyping on the Career Choice and Career Commitment Adolescents. Retrieved June ۱۲, ۲۰۱۳ from World Wide Web: <http://www.۴.samford.edu/schools/artsci/scs/hensley.html>
- Hewitt, J. (۲۰۱۰). *Factors Influencing Career Choice*. Retrieved June ۱۲, ۲۰۱۳ from World Wide Web: www.ehow.com
- Huffman, T. E.; Sill, M. L. & Brokenleg, M. (۱۹۸۶). College Achievement among Sioux and White South Dakota Students. *Journal of American Indian Education*. Vol. ۲۵ (۲): ۳۲-۳۸.
- McNair, D. & Brown, D. (۱۹۸۳). Predicting the Occupational Aspirations, Occupational Expectations and Career Maturity of Black and White Male and Female ۱۰th graders. *The Vocational Guidance Quarterly*. Vol. ۳۲: ۲۹-۳۶.
- Myburgh, J. E. (۲۰۰۵). An Empirical Analysis of Career Choice Factors Influencing First Year Accounting Students at the University of Pretoria. *Meditari Accounting Research Journal*. Vol. ۱۳(۲): ۳۵-۴۸.
- Myers, D. G. (۲۰۰۵). *Social Psychology*. Boston: McGraw-Hill.

- O'Brien, K. M. (۱۹۹۶). The Influence of Psychological Separation and Parental Attachment on the Career Development of Adolescent Women. *Journal of Vocational Behavior*. Vol. ۴۸: ۲۵۷-۲۷۴.
- O'Brien, K. M.; Friedman, S. M.; Tipton, L.C. & Linn, S.G. (۲۰۰۰). Attachment, Separation and Women's Vocational Development: A Longitudinal Analysis. *Journal of Counseling Psychology*. Vol. ۴۷(۳): ۳۰۱-۳۱۵.
- Ologun, S. F. (۲۰۰۲). *Parent-child Relationship and Vocational Choice of Fresh Undergraduates of University of Ilorin: A Test of Roe's Hypothesis*. Kogi State Teaching Service Commission Lokoja. Retrieved June ۱۲, ۲۰۱۵ from World Wide Web: [www.unilorin.edu.ng/.../parent%۲۰child%۲۰relationship%۲۰and%۲۰vocational%](http://www.unilorin.edu.ng/.../parent%۲۰child%۲۰relationship%۲۰and%۲۰vocational%۲۰)
- Rojewski, J. W. & Yang, B (۱۹۹۷). Longitudinal Analysis of Select Influences on Adolescents' Occupational Aspirations. *Journal of Vocational Behavior*. Vol. ۵۱: ۳۷۵-۴۱۰.
- Strange, C. C. & Rea, J. S. (۱۹۸۳). Career Choice Considerations and Sex Role Self-concept of Male and Female Undergraduates in Nontraditional Majors. *Journal of Vocational Behavior*. Vol. ۲۳: ۲۱۹-۲۲۶.
- West, D. (۱۹۸۶). *The Relationship of Career Maturity and GPA, Age, Gender and Class Status of Selected Students at Eastern Montana College*. Unpublished manuscript. Eastern Montana College. Billings.
- West, D. K. (۱۹۸۸). Comp Rations of Career Maturity and its Relationship with Academic Performance. *Journal of American Indian Education*. Vol. ۲۷(۳): ۱-۷.
- Wood, A. & Mayer, J. (۱۹۹۹). *Africa's Export Structure in Comparative Perspectives*. Institute of Development Studies. Sussex: Sussex University.
- Wulff, M. B. & Steitz, J. A. (۱۹۹۷). Curricular Track, Career Choice and Androgyny among Adolescent Females. *Adolescence*. Vol. ۳۲(۱۲۵): ۴۳-۴۹.
- Tang, M.; Pan, W. & Newmeyer, M. D. (۲۰۰۸). Factors Influencing High School Students' Career Aspirations. *Professional School Counseling Journal*. Vol. ۱۱(۵): ۲۸۵-۲۹۵.
- Taylor, J.; Harris, M. & Taylor, S. (۲۰۰۴). Parents Have their Say about their College Aged Children's Career Decisions. *National Association of Colleges and Employers Journal*. Vol. ۶۴ (۳): ۴۲۰-۴۲۵.